

سردبیر: فواد عبداللهی foadsjk@gmail.com
 دبیر سازمان: بهرام مدرسی bahramsjk@yahoo.com

چهارشنبه ها منتشر می شود! 9 Nov 05 - ۱۹ آبان ۱۳۸۴

www.javanx.com

جوانان حکمتیست ۶۳



جهان فقر و ثروت از خیابانهای پاریس و "نیواورلینز" تا تهران و "نیجر"



بیش از ده روز از نا آرامیها در فرانسه میگذرد. ده روز جنگ و گریز "مسلحانه" بین جوانان محلات فقیر نشین و محروم پاریس با نیروهای پلیس، خیابانهای محلات حاشیه و فقیر نشین پاریس را چون خیابانهای بغداد، فلسطین و کابل کرده است. شعله های آتش، انفجار اتوموبیل ها، پاریس را شهر عصیان و خشم کرده است. ماه پیش هم طوفان کاترینا در نیواورلینز در قلب آمریکای "مرفه و متمدن" "جهان سومی" از فقر و محرومیت سیاهان را در مقابل چشمان همگان قرار داد. فریاد اعتراض قربانیانی که پیش از اینکه قربانی طبیعت شوند، محکوم به فقر و بی امکاناتی از جنس فقر و بی امکاناتی کودکان در نیجر بودند، را به گوش جهانیان رساند!

ده روز است مناطق محروم و مهاجر نشین پاریس و چند شهر دیگر فرانسه، میدان عصیان جوانان علیه راسیسم و گتوسازی و فقر و بیکاری است. نارضایتی از فقدان تامین اجتماعی، فقر، بیکاری و سیاستهای راست دولت فرانسه، نارضایتی که چندین سال تلنبار شده بود، ناگهان منفجر شد و سرباز کرد. خشم و طغیانی که نه تنها دولت و پلیس، بلکه مدارس و مهد کودکها را هم هدف خود قرار میدهد و به آتش میکشد.

این خشم، عکس العمل مردمی به تنگ آمده از بیکاری، بی تامینی، فقر، راسیسم دولتی و غیردولتی است. این عصیان و انفجاری علیه فقر و محرومیت است. عصیان و انفجاری که مستاصل و بی هدف، به همه چیز چنگ میزند، آتش میزند و حمله میکند! شورشهای اخیر پاریس ریشه در فقر و محرومیت در فرانسه دارد. فقر و محرومیتی از

عصیان منزوی از اعتراض پیشرو اجتماعی قادر به مقابله با آپارتاید اجتماعی نیست گفتگو با اعظم کم گویان و ایرج فرزاد

بسیج گسترده پلیس نه تنها آرامش را برقرار نکرد بلکه در شب هشتم نشانه های گسترش شورش به شهرهای دیگر غیر از پاریس نیز مشاهده شد. تنها در شب هشتم بیش از ۷۰۰ خودرو به آتش کشیده شد. جوانان به ایستگاه پلیس و ساختمان های که پلیس در آنها سنگر می گرفت مثل ورزشگاه و مدرسه حمله کردند و بعضی از آن ها را به آتش کشیدند. سه خبرنگار تلویزیون را که یک بانک را به محل استقرار خود تبدیل کرده بودند، از ماشین بیرون کشیده و بانک را به آتش کشیدند. جنگ و اعتراض اکنون بیش از ۳۰ محله فقیر نشین پاریس را در بر گرفته که بخش وسیعی از جمعیت آن ها را پناهجویان فرانسوی تشکیل میدهند. در سن سن دنی ۱۵ ماشین به آتش کشیده شد. در ایولین ۲۷ اتوبوس که در ایستگاه پارک شده بودند آتش زده شد. مغازه هایی مثل فرش فروشی و ←

اعدام با اسلحه گرم به دلیل شرب خمر!



فرامرز حسین زاده

با کریم ۶ ماه در بند عمومی زندان سردشت هم خرج بودم! جوانی شاداب و سر زنده بود که برای رهایی از مشکلات خانوادگی، هر از چند گاهی به مشروبات الکلی پناه میبرد! کریم جوانی ۳۱ ساله است که اینک در چند قدمی چوبه دار ایستاده است و ضربان قلب او هر لحظه تند تر میگردد! او را به جرم نوشیدن مشروب به اعدام با اسلحه ← ۳

بخش عظیمی از جامعه به همان سیستمی است که علاوه بر فقر تفرقه و جنگ ملی و مذهبی را میان مردم دامن میزند. اعتراضات فرانسه باز هم نشان میدهد که دنیا چه اندازه نیازمند عدالتخواهی و بشردوستی کمونیسمی است.

جهان هیچگاه این اندازه نیازمند سوسیالیسم نبوده است. جنبشی که دنیای نابرابر و وارونه سرمایه را از قاعده بر پایه انسانی و برابر بگذارد. این نیاز از فرانسه تا آمریکا، از برلین تا بغداد، احساس میشود.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست

کارگری - حکمتیست
۶ نوامبر ۲۰۰۵

چه تضمینی برای انتخابات آزاد مردم

وجود دارد؟
محمد قنچی ص ۲

اعتیاد را

غیر جنایی کنید!
جمال کمانگر ص ۲

زنده باد آزادی! زنده باد برابری!

تماس با ما
 دبیر سازمان: بهرام مدرسی
 bahramsjk@yahoo.com
 تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱
 فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۳۲۲۶۱۳

سردبیر: فواد عبداللهی
 foadsjk@gmail.com
 تلفن: ۰۰۴۴۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲

معاونت دبیر: نسیم رهنما
 nasimrahnamadk@yahoo.com
 تلفن: ۰۰۴۵۲۲۸۲۴۵۴۲

معاونت دبیر:
 جمال کمانگر
 jkamanger@yahoo.com
 تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۶۱۹



→ **و سوپر مارکت هم نیز از آتش خشم شورشیان در امان نمانده اند و از دست بیش از ۱۳۰۰ پلیس ضد شورش برای آرام کردن شورش کاری بر نمی آید. پلیس با گاز اشک آور و جوانان شورش با کوکتل مولوتف و سنگ در برابر هم صف آرایی کرده اند یکی از ساکنین محله های کلیشی سو بوا به روزنامه فیگارو گفت: پلیس در محلات ما نقش کابوی را بازی می کند و به ارباب ما می پردازد. اما وقتی ما به آن ها احتیاج داریم، سرو کله شان پیدا نمی شود.**

فواد عبداللهی: بیش از ۱۱ روز از جنگ و گریز "مسلمانان" بین جوانان محلات فقیر نشین و محروم پاریس با نیروهای پلیس، می گذرد. کلیشی سن بوا محل شروع شورش یکی از فقیرترین شهرک های حومه پاریس است. ۸۰ درصد ساکنان آن مستاجران ساختمان های بتونی بلندی هستند که ۵۰ سال است تعمیر نشده است. نیمی از جمعیت آن زیر ۲۵ سال سن دارند و بیکاری جمعیت در این جا بیش از ۲۰ برابر سراسر کشور است. ۱۰ درصد رقم بیکاری در کل فرانسه و بین ۱۸ تا ۲۵ درصد در این محله . ۳۰ محله دیگری که شورش به آن ها سرایت کرده وضع بهتری ندارند. وقتی ارقام بیکاری بر اساس تقسیم بندی اجتماعی و جغرافیایی مقایسه شود، واقعیت تلخ خود را بیشتر به نمایش می گذارد. به نوشته بی بی سی رقم بیکاری کسانی که مدرک دانشگاهی دارند در کل فرانسه ۵ درصد است، اما آن ها که تبار آفریقایی دارند ۲۷ درصد بی کاری دارند. رقم بیکاران در برخی محلات را ۵۰ درصد ذکر کرده اند که تمرکز فوق العاده بیکاران در یک محل را نشان می دهد. این وضعیت رغبت بسیاری از دانش آموزان را برای ادامه تحصیل از بین می برد و رقم بالایی از شاگردان بدون این که مدرک پایان تحصیل بگیرند مدرسه را ترک می کنند. به طور

خلاصه، خشم و نفرت جوانان در قلب اروپای "تمدن" ناشی از چیست؟

اعظم کم گویان: این خشم و



عصیان ناشی از سردرگمی وسیع اجتماعی و یک احساس بی آیندهی عمیق و بی اطمینانی نسبت به زندگی و آینده است که بخصوص در میان جوانان موج می زند. کلا این دوران در جهان دوران روشنی و قطعیت نیست و مردم نمی دانند اوضاعشان به کجا می رود و در ابهام و تردید هستند. چهره اقتصادی و سیاسی دنیا بشدت و سریعاً تغییر می کند و محاسبات افراد در اینکه مبنای زندگیشان را چگونه بریزند بهم می ریزد. علی العموم یک ناباوری و بی اعتمادی به آینده در میان مردم هست و علیرغم حرکتیهای شبیه اعتصاب عمومی در خود فرانسه در ۴ اکتبر امسال، این بی اطمینانی و ابهام در مورد آینده و هر ایده ای که به آن برای تغییر اوضاع خود متکی شد بنظر من هنوز ترند اصلی هست.

جوانان بیشتر حامل این ناروشنی و بی اطمینانی به اینکه می توان با ایده ای و ابزاری و جنبشی این وضعیت را تغییر داد هستند بخصوص که از منشا مهاجر باشند و قربانی راسیسم و تبعیضات گوناگون باشند و سیاستهای یک دولت دست راستی زندگیشان را رقم بزند. در یک مقیاس ماکرو جوانان کمتر به تلاشهای فردی برای بهبود زندگیشان دست می زنند و در مقابل یک خشم و عصیان در آنها تلنبار می شود که هر ازگاهی به این ترتیب بیرون می ریزد. نارضایتی و خشم و عصیانی که خواسته ای را مطرح نمی کند هدفی ندارد و وقتی شعله می شد بیمارستان و مهد کودک و

دبستان و دبیرستان و انسان معلول و سالخورده و اموال مردم عادی را هم در کنار ساختمانها و اتوموبیلهای دولتی در آتش خود می سوزاند و مضروب می کند. این جنبشی منزوی از اعتراض پیشرو اجتماعی است و قادر نیست پشتیبانی مردم و حمایت نیروهای اصلی و پیشرو جامعه فرانسه و اروپا را به خود جلب کند.

ایرج فرزاد: خیلی ساده! این از محصولات و نتایج اقتصادی و سیاسی، "نسبیت فرهنگی" است. با



بسیاری از مردم و جوانان محلات فقیر نشین در حومه فرانسه که مصاحبه کرده اند، آنها دلیل وارد شدن به این نوع حرکات را کوششی دانسته اند که به مقامات و به جامعه فرانسه بگویند که ما، آن نوع فراموش شده "شهروند فرانسوی"، کسانی که در فرهنگ و سیاست رایج و مسلط "دوفرنگی" نامیده شده اند، "هستیم". اکثریت شرکت کنندگان در "تآرامی" های فرانسه را تین ایجرهای ۱۵ تا ۱۸ ساله ای تشکیل میدهند که اگر نه همگی، بلکه اکثریت قریب به اتفاق آنان، در فرانسه متولد شده اند و از نظر فرمال و صوری، شهروند فرانسه اند. اما سیاست حاکم کماکان آنان را آفریقائی تبار و عرب تبار و حتی مسلمان تبار نامیده است. خانواده این جوانان در گتهائی با امکانات اجتماعی به مراتب کمتر اسکان داده شده اند و سخت ترین و پائین ترین مشاغل به آنها واگذار شده است. درصد بیکاری در فرانسه حدود ۱۰ درصد، اما در میان این جمعیت "دو فرهنگی" تا ۵۰ درصد هم بالا رفته است.

ترجمان اجتماعی اقتصادی سیاست راسیستی نسبت فرهنگی به همین شکل روئیدن گتوها و مناطق محروم در قلب کشورهای اروپائی است.

دولتهای اروپائی و از آن جمله فرانسه با تقویت نهادهای "فرهنگی" منتسب به این جمعیت، یعنی راه انداختن مسجد و مدارس ویژه، سرنوشت این بخش از شهروندان را از سرنوشت جامعه فرانسه جدا ساخته است و در حقیقت به عنوان شهروندان درجه دوم آنها را تنزل داده است. این مردم و جوانان از نظر فرمال شهروند فرانسه اند، اما از نظر حقوقی و قانونی تابع قوانین طالبان و جمهوری اسلامی و شیوخ عربستان اند، چرا که طبق سیاست نسبیت فرهنگی، این مردم باید حقوق متمایز فرهنگی و تمایز در برخورداری از حقوق مدنی را نمایندگی کنند. شورشهای فرانسه، اعتراض خشمگینانه ای است به این آپارتاید سیاسی، مدنی و اجتماعی که زیر سایه نسبیت فرهنگی سالیهاست مردم با یک گراوند "مهاجر" را در گتوها و مناطق محروم از همه امکانات اجتماعی و حقوقی، متمرکز و اسکان داده است. این مناطق و مسائل آنها قبل از اینکه بطور سراسری و کشوری و با مسئولیت مورد بررسی قرار گیرد، به حیطة و تاخت و تاز مدافعین فرهنگ اسلامی و جهان سومی واگذار شده است. مذاکرات مقامات فرانسوی با مالاها و امام جمعه های گتونشینها و دست به دامان این عناصر مرتجع شدن برای بکار گرفتن "نفوذ معنوی" خود در "آرام کردن" فضا، گویای این حقیقت تلخ است.

فواد عبداللهی: بی بی سی فارسی از جوانان فرانسه تحت عنوانی چون آشوبگران، معرکه گیران آتش افروز، و ساکنان حومه های آشوب زده عرب نشین و آفریقایی نشین یاد کرده است. نیکولای سارکوزی وزیر کشور فرانسه نیز در اولین واکنش بعد از شروع ناآرامی ها، شورشیان را، غده های عفونی، و لکه های ننگ، خواند که باید جامعه فرانسه آن ها را پاکسازی کند. وی همچنین تاکید کرد که این درگیری ها، انفجار آتشی بوده است که سی سال زیر خاکستر بوده است. نظر شما چیست؟



دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!

اعتیاد را غیر جنایی کنید!



جمال کمانگر

هر سال سازمان ملل در مورد جنبه های گوناگون زندگی مردم گزارشاتی منتشر میکند که در یک مقایسه آماری رتبه هایی به جامعه جهانی ارائه می دهد. گزارش امسال در مورد اعتیاد، ایران را در رتبه اول قرار داد! طبق این گزارش بیش از دو میلیون معتاد در ایران زندگی می کنند! این در حالی است که گزارش وزارت بهداشت رقم آن را حدود چهار میلیون نفر میدانند. اکثر ما کم و بیش این را می دانیم.

وقتی میگوییم: ۲ میلیون یا ۴ میلیون نفر این ضربدر خانواده و نزدیکان این تعداد میشود که مستقیم یا غیر مستقیم با این معضل جدی در اجتماع درگیر هستند. اگر اینها را کنار هم قرار دهید متوجه میشوید که ما در ایران با یک بلای خانمانسوز روبرو هستیم. که دهها میلیون انسان بیچاره را در بر میگیرد. اعتیاد هم یکی دیگر از مضراتی است که جنبه جهانی دارد. نظام سرمایه داری در بازتولید آن نقش مستقیم دارد. نظامی که از خود بیگانگی، یاس و ناامیدی، عدم امنیت شغلی و اجتماعی جزو داده های اصلی آن است؛

پدیده اعتیاد هم از اینجا منتج میشود. اما برآستی چه چیزی باعث میشود که انسانها این چنین بی رحمانه به

جسم و جان خود حمله کنند؟ به نظر من فاکتورهای زیر در گسترش اعتیاد نقش دارند. در جامعه ای مثل ایران خود پدیده اسلام سیاسی از هر مواد مخدري خطرناکتر عمل میکند. نظام اسلامی همراه با قوانین خود یکی از دلایل روی آوری به مواد مخدر است. این فاکتور اصلی باید فوراً برداشته شود. زیرا مردم در چنین جامعه ای با این قوانین قرون وسطی نه تنها احساس خوشبختی و حرمت نمی کنند، بلکه تمام راه هایی که انسانها بتوانند خلاقیتهای خود را بیرون بریزند مسدود شده است. برای بدست آوردن ابتدایی ترین خواسته پای پاسدار و آخوند به میان می آید. باید مردم بتوانند احساس کنند که خوشبخت هستند. صاحب سرنوشت خود و جامعه هستند. و راه برای سعادت و خوشبختی برویشان باز است. اگر مردم در چنین وضعیتی

باشند غیر ممکن است که به درون خود حمله و خود را نابود کنند. بنابراین تا آنجا که به عرضه مواد مخدر بر میگرد باید قاطعانه با باندهای قاچاق، دلالان و تمام کسانی که به نحوی در توزیع آن دست دارند برخورد کرد. تقاضا برای مواد مخدر را باید از کنترل افراد سود جو و دلال در آورد و دولت باید توزیع آن را در کنترل خود بگیرد. اعتیاد جرم نیست. نباید به معتادین مانند مجرمین رفتار کرد. جامعه و دولت رأساً به معتادین کمک کند که اعتیادشان را ترک کنند. اگر دولتی حرمت انسان سرلوحه اش باشد باید سریعاً اعتیاد را غیر جنایی کند. کلیک های رایگان در اختیار



معتادین قرار دهد تا معتاد احساس شخصیت کند و سرش را بالا بگیرد و بگوید: "من کلینک میروم، دارم ترک میکنم" نه آنها را به طرف فروشندگان مواد مخدر هول بدهد. اگر دولتی که اساسش خوشبختی انسانها است کنترل مواد مخدر را در اختیار داشته باشد دیگر میدان فعالیت دلالان مواد مخدر محدود میشود. اما در ایران امکان پذیر نیست! شرط اصلی سرنوشت جمهوری اسلامی بانی اصلی تمام مضرات جامعه ایران است. در یک حکومت سوسیالیستی که اساسش حقوق جهانشمول انسان است طی یک برنامه کوتاه مدت میتوان معضل اعتیاد را برطرف کرد.

چه تضمینی برای انتخابات آزاد مردم وجود دارد؟



محمد فتاحی

مسلح حق و آزادی و رفاه خود را میتوانند تضمین کنند. مردم بی سازمان و بی اسلحه همان اندازه روی آزادی و رفاه را خواهند دید که در عراق و پاکستان و ترکیه موجود است. در مورد اینکه ما نباید در صورت قدرت دولت خود را ایجاد کنیم. به درد نوشتن جمله بر کاغذ میخورد نه واقعیت. تصور کنید روزی که جمهوری اسلامی توسط قیام مردم سرنگون میشود. نیروی رهبر سرنگونی در مقابل جامعه و زندگی مردم جوابگو است. لذا باید فوراً و یا شاید در همان پروسه مبارزه برای سرنگونی دولت موقت را معرفی و اقدامات لازم برای اداره جامعه را شروع کند. آرزوها فرصتی برای انتخابات آزاد نیست و باید آنرا در فضایی که همه نیروها خود و پلاتفرم خود را معرفی کرده و به

مردم شناسانده اند، برگزار کرد. در چنین دوره ای باید پذیرفت که هر نیرویی رهبر جنبش سرنگونی شود دولت موقت را هم او سازمان میدهد. همه این کار را میکنند. در صورتیکه نیروهای مختلف رهبری بخشهای مختلف جامعه را در دست بگیرند! هرکدام به اندازه توانش در قدرت و دولت موقت جای خواهد داشت. نیرویی که در جنبش سرنگونی دخالت نکرده است، برای سازماندهی دولت موقت هم دعوت و مهمانی در کار نیست.

بیمارستان را ندارد! قبل از ابلاغ حکم اعدامش در زندان، با شستن ظروف زندانیان سعی در پس انداز کردن پول برای عمل آراین پسرش را داشت. ولی اینک او نمی تواند پس انداز کند چون هر لحظه در انتظار اجرای حکم اعدام است! در به تباهی کشاندن شیرازه این خانواده، به غیر از رژیم اسلامی، دولت ترکیه و "یوان" نیز نقش دارند. چرا که رد تقاضای پناهندگی این خانواده و اخطار پلیس برای ترک خاک ترکیه و بازگشت کریم از سر ناچاری به جهنم جمهوری اسلامی باعث به وجود آمدن این شرایط اسفبار شده است!

بیانید دست در دست هم نگذاریم کریم را اعدام کنند! کریم احتیاج به اعتراض شما دارد. او باید زنده بماند و از

محکوم کرده اند. دولت کریمه اسلامی، آن نظام توحش در قرن ۲۱، دست به جنایاتی غیر قابل تصور میزند! تمام نیروهای دنیای ارتجاع اینبار مجری اعدام جوانی بیگناه شده اند که چند پیک مشروب نوشیده است. او قبلاً به مدت ۲ سال، پشت درهای "یوان" ترکیه به همراه همسر و فرزندان انتظار کشید، اما تقاضای پناهندگی وی رد شد و سپس به دلیل ضرب اعجلی که از طرف پلیس ترکیه مبنی بر ترک خاک این کشور دریافت کرده بود، ناچار شد به ایران باز گردد! کریم یک پسر ۱۰ ساله و یک دختر ۸ ساله دارد که باید نظاره گر اعدام پدرشان در قتلگاه زندان سردشت باشند! این بچه ها به چه جرمی باید به این سرنوشت دچار شوند؟! پسر کریم مریض است و احتیاج به عمل جراحی دارد. اما کریم توان پرداخت هزینه



مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

۲ →

بی بی سی و وزیر کشور فرانسه، جز با تحریک احساسات شهروندان "اصیل" و "درجه یک" شکل دیگری ندارد. اینها وقتی میخوانند در پاسخ به جدائی و تفرقه و درجه بندی شهروندان فرانسوی چیزی بگویند، به روح تعصب نژادی و خرافه تقدس منشا اولیه تولد دو سه نسل قبل تر رجوع میکنند، تا با قرار دادن "مالیات دهندگان فرانسوی الاصل" در برابر مردمی که سیاستهای رسمی آنان را به صف بیکاران پرتاب کرده است، شانه از زیر بار مسئولیت خالی کنند و کینه و نفرت جامعه را علیه کسانی که "مالیات" نمیدهند و یا کمتر مالیت میدهند، منوجه کنند. اول مردم و جوانان را فرانسوی غیراصیل و عرب و آفریقائی و مسلمان الاصل مینامند، از حق شهروندی و حق برابر محرومشان میکنند و کار و تحصیل و آموزش را از آنان دریغ میکنند، بعد میگویند: "ببینید شهروندان اصیل و مالیات دهنده عزیز فرانسوی الاصل"، آشوبگران دارند ثروت و اموال شما را که با مالیات شما فراهم شده است، تخریب میکنند. برای ما که شرایط زندگی و کار "افغانی تبار" ها را در ایران میبینیم، این تحریکات نژاد پرستانه آشنا هستند.

نواد عبداللهی: فقر و نژاد پرستی در گتوهای اروپا در هم آمیخته اند. یک سازمان ضد نژاد پرستی در فرانسه گزارش داده است که بعضی شرکت ها تنها کسانی را برای بازار بایا استخدام می کنند که تا چند نسل فرانسوی الاصل باشند و علت را ضرورت آشنایی به فرهنگ فرانسوی ذکر می کنند. این در حالی است که طبق قانون تبعیض نژادی ممنوع است. البته در عمل می توان تبعیض نژادی را اعمال کرد بدون این که قانون را مخدوش نمود. آیا اینگونه سیاست های نژادپرستانه و دست راستی را می توان یکی از عوامل اعتراض و خشم جوانان علیه دولت فرانسه به حساب آورد؟

اعظم کم گویان: قطعاً اینطور است.

جوانان همانطور که قبلاً سعی کردم نشان بدهم احساس طرد شدن بی اعتمادی و بی آینده داری دارند. تسهیلات برای آموزش جوانان در سطوح مختلف و ایجاد اشتغال و فقر زدایی و ایجاد برابری و رفاه و کلا روشن بینی نسبت به آینده کار یک دولت دست راستی نیست بخصوص که این دولت به راسیسم هم مجهز باشد. مساله مهم اینجا این است که این شورش و عصیان کور هم تبدیل به یک ابزار دیگر برای سرکوب جوانان و رشد راسیسم و فاشیسم و رشد فضای ضد خارجی خواهد شد. بخصوص که اقداماتی که طی این مدت در این شورش انجام شده نه تنها سمپاتی مردم را جلب نمی کند بلکه آنتی پاتی نسبت به آنها و شکاف در جامعه را بیشتر می کند.

ایرج فرزاد: قبل از اینکه بحث از طرح یک یا دو تصمیم نژادپرستانه در چند شرکت فرانسوی ناشی شده باشد، تفاوت و جدائی کاملاً آشکار دو نوع زندگی، دو نوع حق شهروندی، و دو نوع شرایط زیست و کار و تحصیل و آموزش، منشا این اعتراضات است. آن جوان "مهاجر الاصل" حداقل نسل دوم شهروند جدید فرانسه است. اما وقتی بویژه پس از دوران نظم نوین و تجدید تقسیم سیاسی و اقتصادی اروپا در مقطع پس از فروپاشی جهان دو بلوکی، دولت های "رفاه" یکی پس از دیگری جای خود را به دولتهائی با سیاستهای انقباضی دادند و حتی در قلب اروپا، هویت قوم و قبیله ای و ملی و مذهبی شهروند را به منشا آبا و اجداد انسانها برگرداندند و برای حقوق مدنی برحسب محل تولد چند نسل پیشتر و یا باورهای خرافی اجداد شهروندان، "نسبیت" را در قانون و اجتماع اعمال کردند، جدائی و تبعیض را نهادینه کردند. در این رابطه بیان یک مرزبندی صوری علیه تبعیض نژادی دردی را دوا نمیکند. مشکل این است که آپارتاید و جدائی اجتماعی را رسمیت داده اند. باید علیه کل این سیستم کاری کرد. طبعاً تداوم این

مبارزه تا حد تعدیل کردن دستاوردهای آن تا سطح قانون و تصمیمهای سیاسی کشوری لازمه یک حرکت هوشیارانه و مسئولانه و متدمنانه است.

نواد عبداللهی: اگر میل به برابری را نمی توان کشت و اگر راه مدنی ابراز و اعتراض و سازماندهی بروی این اساسی ترین گرایش انسانی بسته باشد، مردم بلاخره راهی برای به نمایش دادن آن پیدا می کنند. به نظر شما پیروزی و شکست این اعتراض در گرو چیست؟

اعظم کم گویان: من معتقد نیستم که این شورشها تنها شکل و مضمون موجه و مشروع بروز اعتراض جوانان ناراضی است و مخالف که این عصیان نتیجه محتوم ناراضیتهای های جوانان است. همانطور که قبلاً گفتم ضمن اینکه منشا این شورشها ناراضیتهای مانده فقر و بیکاری و محرومیت و بی حقوقی و راسیسم است اما فقط متاسفانه یک عصیان کور و بی خواسته و بی افق است که به همین دلیل هم دقیقاً شکافها را بیشتر می کند و راسیسم و مذهب و آپارتاید اجتماعی را تقویت می کند. سطح مبارزه پیشرو در جامعه، اعتراض مترقی رادیکال غیر قومی و غیر ملی و غیر مذهبی در اشکال اعتصاب و تحصن و مارش اعتراضی و وارد کردن فشارهای موجه به دولت و سرمایه داران و نیروهای فاشیست و راسیست است. اعتراضاتی از نوع اعتصاب عمومی کارگران و مردبگیران در ۴ اکتبر امسال یک نمونه بارز مورد نظر است.

به نظر من این اعتراض با این افق و مضمون و شکل محتوم به شکست است. این اعتراض با فاصله گرفتن از وضعیت فعلیش و در جلب حمایت از سازمانهای کارگری و جریانات پیشرو ضد راسیسم و احزاب سیاسی مترقی و دوری کردن از شیخ و ملا و سردستانان عشایر جامعه مهاجر و متکی شدن به

خواستها و مضامین و شیوه ها و ابزارهای مترقی و پیشرو مبارزه می تواند به پیروزی برسد.

ایرج فرزاد: به نظر من هم نمیتوان تمایل به رفاه و برای و برخورداری از حق برابر شهروندی را کشت. مساله مهم این است که پرچم اعتراض علیه گتوسازی ها و فقر و محرومیت در مناطق "مهاجر نشین" نباید در دست جریانات ارتجاعی قرار گیرد. اینها وقتی خود به حکومت میرسند، جمهوری اسلامی، حکومت طالبان و یا حاکمیت شیوخ کشورهای حاشیه خلیج را برپا میکنند. این مبارزه جزئی از مبارزه بشریت علیه مصائب و عواقب سرمایه داری دوران پس از فروپاشی جهان دو بلوکی است. این پرچم قبل از هر کس و مقدم بر هر کس، دست انسانیت متدمن و جنبش سوسیالیستی را میبوسد. این میدانی است که بوته آزمایش هر جریان و گرایشی است که خود را سوسیالیست و چپ و پیشرو و مترقی مینامد. و فرانسه کشوری است که در آن سنت انقلاب کبیر فرانسه، کمون پاریس و جنبش عظیم سال ۶۸ میراثهای عظیمی برای بشریت تولید کرده است. این کشور میتواند بار دیگر عرصه تحرک اندیشه آزادی و برای طلبی و بپاخیزی سوسیالیسم کارگری باشد. شورشهای اخیر در فرانسه دارد این صف را فرامیخواند. آیا نیروی این اعتراض برحق میتواند بر تحرک گرایشات اسلامی و قبیله گرائی و ارتجاع نسبیست



برنامه های پرتو روزهایی جمعه (از ساعت ۸:۳۰ تا ۹:۳۰ شب به وقت تهران) (۶ تا ۷ بعدازظهر به وقت اروپا)

مرکز و ۹ تا ۱۰ صبح به وقت (مرکز و غربی از شبکه کانال یک پخش میشود)

ایران و اروپا:

Telstar 12
Freq: 11494.5 MHz
Polarity: Verical
Sym Rate: 17,4687ms
FEC: 3/4

(مرکز و شمالی):

Telstar 5
Freq: 12,090 MHz
Polarity: Horizontal
Sym Rate: 20000 ms
FEC: 3/4

برنامه پرتو روی سایت آن نیز قابل مشاهده است:

www.hekmatist.com/parto

فرهنگی افسار زند و مبارزه و خیزشها را بر بستر تلاش برای عدالت و برابری اجتماعی هدایت کند؟

جهان مشتاقانه و بی صبرانه در انتظار تکان خوردن سوسیالیسم و جنبش عدالت خواهی و اومانيسم سوسیالیستی است.



به سازمان جوانان حکمتیست بپیوندید!